

مجموعه مباحث اخلاقی

نعمت از سوی اوست این است معنای شکر

استاد معظم

حضرت آیت الله یثربی کاشانی «دامت برکاته»

۹ آبان ماه ۱۳۸۶

۱۹ شوال ۱۴۲۸

تکثیر این جزوه

با رعایت محتوا، حفظ امانت در نقل و ذکر مأخذ مجاز است

الحمد لله رب العالمين وصلّى الله على سيّدنا محمّد وآله الطاهرين ولعنة الله
على أعدائهم أجمعين .

«إلهي أذهلني عن إقامة شكرك تتابع طولك وأعجزني عن إحصاء
ثنائك فيض فضلك وشغلني عن ذكر محامدك ترادف عوائدك
وأعياني عن نشر عوارفك توالي أياذك»^(١) .

بارالها! پی در پی بودن بخشش مرا از شکرگزاری غافل کرده، و بارش مدام
فضل تو مرا از شمردن ستایشت غافل کرده، و پشت سر هم بودن برکاتت
مرا از یادآوری ستودنیهایت باز داشته، و دستگیریهایی متوالی تو مرا از
پخش و نشر نیکوییهایت ناتوان کرده است .

معنای شکر:

مناجات ششم از مناجاتهای پانزده گانه امام سجاد عليه السلام مناجات شاکرین

۱ - مناجات خمسة عشر - مناجات الشاکرین .

نام دارد. بسیار مناسب است که قبل از شروع بحث و شرح این مناجات عارفانه مطالبی را در مورد شکر و معنای آن بیان کنیم سپس به شرح دعا بپردازیم.

شکر در لغت به معنای اظهار، نشر و اشاعه نعمت و احسان است^(۱)، در مقابل آن واژه کفر می‌باشد که به معنای فراموش کردن و پنهان کردن است^(۲).

در رابطه با شکر و سپاس خداوند متّان روایتی بدین مضمون در کتب روایی نقل شده است.

«کان رسول الله ﷺ عند عائشة ليلتها، فقالت: يا رسول الله ﷺ

لم تتعب نفسك وقد غفر الله ما تقدم من ذنبك وما تأخر؟

فقال ﷺ: يا عائشة ألا أكون عبداً شكوراً»^(۳).

شبی رسول الله ﷺ نزد عایشه بودند، عایشه به پیامبر ﷺ عرض

نمود: «چرا خود را این قدر به زحمت می‌اندازید و عبادت می‌کنید، مگر

خداوند نفرموده است که گناهان گذشته و آینده تو را بخشیدیم»

پیامبر ﷺ فرمودند: آیا بنده‌ای سپاسگزار نباشم.

فقط انسانهایی نعمات الهی را سپاس و شکر می‌کنند که با تدبّر در

۱- تاج العروس، جلد ۳، صفحه ۳۱۲.

۲- تاج العروس، جلد ۳، صفحه ۵۲۴.

۳- کافی، جلد ۲، صفحه ۹۵، مسند احمد، جلد ۴، صفحه ۴۵۱ (با اندکی تفاوت)

آیات بی شمار خداوند نعمتهای او را شناخته‌اند و قدر آن را می‌دانند؛ به عبارت دیگر کمال عقل در شکرگزاری است و تنها انسانهایی که از درجه بالای عقل و خرد بهره‌مند هستند، شاکر و سپاس‌گزارند.

مروری بر فرازهای مناجات؛

امام سجاده علیه السلام در این مناجات، همچون مناجاتهای گذشته، باعبارتهای زیبا و دلنشین روح عاشقان را نوازش داده و می‌فرماید،
«الهی أذهلني^(۱) عن إقامة شکرک تتابع طولک» .
خداوندا! پی در پی و مستمر بودن نعمتهایت، موجب غفلت و فراموشی ما شده است.

نعمتهای بی شمار الهی، موجب غفلت و نسیان بندگان می‌شود. اگر همیشه روز باشد ما دیگر قدر آفتاب و روشنایی را فراموش می‌کنیم. انسانی که همیشه سیر باشد، گرسنگان را فراموش می‌کند، انسانی که در سلامت و امنیت است قدر این نعمت را نخواهد دانست و فقط زمانی قدر و ارزش این نعمات را می‌داند که آنها را از دست داده باشد.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید:

۱- ذهل: غفلت و فراموشی (صحاح جوهری، جلد ۴، صفحه ۱۷۰۲)

« نعمتان مجهولتان ، الأيمن والعافية »^(۱) .

امنیت و سلامت دو نعمت ناشناخته‌اند. [کسی ارزش آنها را نمی‌شناسد]
خداوندا! فیضهای جاری و دائم تو ما را از شمارش نعمتهایت در مانده
و ناتوان کرده است؛ به عنوان یک تشبیه ناقص و فقط برای تقریب به ذهن،
رودخانه‌ای را در نظر آورید که آب فراوانی با سرعت زیادی در آن جریان
دارد و نمی‌توان بدون ابزار فنی مقدار آب را اندازه‌گیری نمود.
« وشغلني عن ذکر محامدك ترادف عوائدك » .

پی در پی و مستمر بودن نعمات و عنایات خداوند ما را از یادآوری و
سپاس آنها باز داشته است و قادر نیستیم که حمد یکی را نیز به جای آوریم.
« وأعياني عن نشر عوارفك توالي أياذك » .

عنایات، نعمات و محبت‌های دائم و بی‌وقفه الهی، ما را از شمارش و
احصاء آن عاجز و ناتوان کرده است. با توجه به فرازهای فوق می‌توانیم در
یک عبارت بگوییم که شکر و سپاس از آن کسانی است که کثرت و استمرار
نعمات مانع شناخت و درک او نگردد.

شاکرین در قرآن:

در قرآن مجید واژه شکر و مشتقات آن در حدود هفتاد و پنج مرتبه
ذکر شده است،

۱- روضة الواعظین ، صفحه ۴۷۲.

﴿اعْمَلُوا آلَ دَاوُودَ شُكْرًا وَقَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّكُورُ﴾^(۱).

ای آل داوود! شکر (این همه نعمت را) به جا آورید، ولی عدّه اندکی از بندگان من شکرگزارند.

خداوند متعال در این آیه امر به شکر و سپاس می‌نماید، اما در ذیل آیه می‌فرماید: بندگان اندکی از من سپاسگزار هستند با کنار هم گذاشتن این آیه شریفه و جملات عارفانه سیّد الساجدین علیه السلام شاید بتوان فهمید که چرا بندگان شکور خداوند کم هستند؛ علت مهم آن همین مطلب است که بندگان آنچنان در نعمات الهی غوطه‌ور شده‌اند که از درک آن عاجزند؛ درست مثل ماهی که چون همه عمر خود را در آب گذارنده است قدر آن را نمی‌داند.

خداوند سبحان، در این آیه ناتوانی و عجز از سپاس را به بندگان خاص خود (عبادی) نسبت می‌دهد، و به همه مردم و به مومنین نسبت نمی‌دهد. اهمیت این اختصاص هنگامی روشن می‌گردد که بدانیم عبادالله جایگاهی بسیار والا و رفیع نزد خداوند دارند، از این آیه به روشنی می‌توان دریافت که وسعت و عظمت نعم الهی آن چنان است که برخی از برگزیدگان و بندگان خاص نیز توانایی شکر و سپاس آنها را ندارند.

نشانه‌های عبادالله در کلام الله؛

گفتیم که نعمات الهی آنقدر عظیم و فراوان است که گاه حتی بندگان

۱ - سوره سبأ، آیه ۱۳.

خاص خداوند هم از شکر آن غافل می‌شوند. برای اینکه به عظمت نعمات الهی پی ببریم، اشاره‌ای کوتاه به برخی از ویژگیهای عبادالله می‌نماییم.

۱- عباد الله از حیطة سلطنت شیطان خارج هستند.

هنگامی که ابلیس از فرمان خداوند سرپیچی نمود و بر آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ سجده نکرد و دریافت که به زودی مورد خشم الهی قرار می‌گیرد از خداوند خواست تا روز و وقت معلومی^(۱) به او مهلت دهد تا انسانها را گمراه نمایند اما خود شیطان اعتراف می‌کند که بر بندگان خاص خداوند سلطنت و نفوذی ندارد و خداوند نیز این گفته را تأیید می‌کند.

﴿ قَالَ رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَلَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ * إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ * قَالَ هَذَا صِرَاطٌ عَلَيَّ مُسْتَقِيمٌ * إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ إِلَّا مَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْغَاوِينَ ﴾^(۲).

گفت: پروردگارا! چون مرا گمراه ساختی، من (نعمتهای مادی را) در زمین در نظر آنها زینت می‌دهم و همگی را گمراه خواهم ساخت * مگر بندگان مخلصت را * فرمود: این راه مستقیمی است که بر عهده من است * که بر بندگانم تسلط نخواهی یافت، مگر گمراهانی که از تو پیروی می‌کنند.

۲- حاکمیت زمین از آن عبادالله است.

۱- از ظاهر آیه نمی‌توان گفت که آن روز معلوم، قیامت است هر چند مفسران احتمالاتی را مطرح کرده‌اند.

۲- سوره حجر، آیات ۳۹-۴۲.

خداوند وعده داده است که زمین به بندگان الهی به ارث می‌رسد و حاکمیت زمین برای آنان خواهد شد. خداوند متعال در این رابطه می‌فرماید:

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾^(۱).

در زبور بعد از ذکر (تورات) نوشتیم: بندگان شایسته‌ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد.

۳- استجابت دعای عبادالله:

بنندگان شایسته خداوند دعایشان در بارگاه الهی رد نمی‌گردد و به اجابت می‌رسد.

﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ﴾.

و هنگامی که بندگان من از تو درباره من سؤال کنند، (بگو): من نزدیکم، دعای دعاکننده را، به هنگامی که مرا می‌خواند، پاسخ می‌گویم، پس باید دعوت مرا بپذیرند و به من ایمان بیاورند تا راه یابند (و به مقصد برسند).

۴- عباد الله مستقر در جنت:

کسانی که به مرحله و مرتبه عبودیت خاصه رسیده‌اند در بهشت خداوند متعال جای دارند و مستقر می‌گردند،

﴿يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ * ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً * فَادْخُلِي فِي عِبَادِي * وَادْخُلِي جَنَّتِي﴾.

۱- سوره انبیاء، آیه ۱۰۵.

توای روح آرم یافته * به سوی پروردگارت باز گرد در حالی که هم تو از او
خشنودی وهم او از تو خشنود است * پس در سلک بندگانم در آی * و در
بهشتم وارد شو .

عباد الله دارای چنین ویژگی‌های برجسته‌ای هستند که به برخی از آنها
اشاره نمودیم، اما به تعبیر قرآن مجید، برخی از آنان شاکر و سپاس‌گزار
هستند .

دسترسی به مقام شکر، مستلزم معرفتِ نعمت است و نمی‌توانیم همه
نعمتهایی را که خداوند متعال به ما ارزانی داشته است درک نماییم؛ به همه
آنها هم که شناخت و معرفت نداریم و به همین دلیل است که نمی‌توانیم شاکر
و سپاس‌گزار باشیم. بر فرض محال اگر بپذیریم که تمام نعمات الهی برای
برخی قابل شناخت باشد باید این نکته را به یقین پذیرفت که نعمات الهی
برای هیچ کس قابل احصاء و شمارش نیست. در این رابطه خداوند متعال
می‌فرماید:

﴿وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ﴾^(۱) .

و اگر نعمتهای خدا را بشمارید، و هرگز آنها را شماره نتوانید کرد، انسان
ستمگر و ناسپاس است .

۱ - سوره ابراهیم، آیه ۳۴ .

روایاتی در رابطه با شکر:

در حدیث قدسی آمده است که حضرت داوود علیه السلام به خداوند متعال

عرض نمود:

«یا ربّ کیف أشکرک والشکر من نعمتک تستحقّ علیه شکرّاً»؛

خداوندا! چگونه تو را شکر گویم؟ حال آنکه سپاس من، نعمتی از نعمتهایت

است که بر آن نعمت نیز باید شکر گویم.

خداوند متعال در پاسخ فرمود:

«إذا عرفت أنّ ذلك منّي فقد شكرتني»^(۱).

اگر بدانی که آن نعمت از آن من است به راستی که مرا شکر کرده‌ای.

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

«من أنعم الله عليه بنعمة فعرّفها بقلبه فقد أدّى شكرها»^(۲).

هر کس که نعمت خداوند را حقیقتاً (باقلب) بشناسد، به درستی که شکر آن

را به جا آورده است.

حضرت موسی علیه السلام به خداوند متعال عرض نمود:

«یا ربّ کیف یستطیع آدم علیه السلام أن یؤدّی شکرما صنعته إلیه؟ خلقتہ

ببیدک ونفخت فیہ من روحک وأسکنته جنتک وأمرت الملائکة

فسجدوا له:

۱- رسائل شهیدثانی، صفحه ۱۵۷.

۲- کافی، جلد ۲، صفحه ۹۶.

خداوندا! چگونه حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ می‌تواند شکر تو را به جای آورد؟ او را با دست (قدرت) خود آفریدی و در او روح خود را دمیدی و در بهشت خود منزلش دادی و به فرشتگان دستور دادی که بر او سجده نمایند.

فقال: يا موسى! علم أنّ ذلك مني فحمدني عليه فكان ذلك شكراً لما صنعته إليه ^(۱).

خداوند متعال فرمود: ای موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ! دانست که همه آنها از من است، مرا بر آنها سپاس گفت و آن شکر کارهایی بود که برای او انجام دادم.

اولین گام، معرفت:

همان گونه که بیان کردیم نخستین گام در شکر، شناخت و معرفت نعمت است و در سایه شناخت نعمت، شناختن منعم میسر می‌شود. منعم حقیقی کیست؟ آیا خودش همه آنها را تحصیل کرده و به دست آورده است؟! یا خداوند متّان و رحیمی وجود دارد که همه نعمتها را خلق کرده و به ما ارزانی داشته است؟

ما نبودیم و تقاضامان نبود لطف تو ناگفته ما می‌شنود ^(۲)
فطرت انسانها به گونه‌ای است که منعم و ولی نعمت خود را دوست

می‌دارد.

۱ - الشکر لله، صفحه ۷۰.

۲ - مثنوی معنوی دفتر اول بیت ۶۱۰.

رسول الله ﷺ در این باره می‌فرماید :

« جِبَلَّتِ الْقُلُوبُ عَلَى حَبِّ مَنْ أَحْسَنَ إِلَيْهَا »^(۱) .

طبیعت قلب (دل) بگونه‌ای است که دوست می‌دارد هر که بر او نیکی می‌کند را .
در نتیجه شناخت و معرفت نعمت ما را به محبت منعم حقیقی که ذات
اقدس الهی است ، رهنمون می‌کند .

در روایتی از امام سجاد علیه السلام منقول است که خداوند متعال به حضرت

موسی علیه السلام فرمود :

« حَبَّبَنِي إِلَى خَلْقِي وَ حَبَّبَ خَلْقِي إِلَيَّ » :

مرا نزد بندگانم محبوب و بندگانم را نیز نزد من محبوب کن .

حضرت موسی علیه السلام عرض کرد : چگونه ؟ خداوند متعال در پاسخ

فرمود :

« ذَكَرْتَهُمْ آلَائِي وَ نِعْمَائِي لِيَحْبَبُونِي »^(۲) .

نعمتهای مرا به آنان یادآوری نما تا مرا دوست بدارند .

شناخت و معرفت نعمت اولین گام برای رسیدن به مقام شکر و در
زمره شاکرین قرار گرفتن است ؛ کسی که نعمت را درک نکند و به آن شناختی
نداشته باشد نمی‌تواند از شاکرین باشد .

۱ - تحف العقول ، صفحه ۳۷ .

۲ - مستدرک وسایل الشیعه ، جلد ۱۲ صفحه ۲۴۰ .

هنگامی که دل به نور معرفت نعمت منور گردد و منعم را بشناسد، نورانیت مضاعف پیدا می‌کند و هرگز در آن دل جایی برای کفر باقی نخواهد ماند.

شکر در برابر کفر:

همان طور که در ابتدای سخن بیان کردیم، کفر نقطه مقابل شکر می‌باشد و در آیات متعددی این دو واژه در کنار یکدیگر ذکر شده‌اند.

﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ أَنْ اشْكُرْ لِلَّهِ وَمَنْ يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ﴾^(۱).

ما به لقمان حکمت دادیم، (و به او گفتیم:) شکر خدا را به جای آور. هر کس شکرگزاری کند تنها به سود خویش شکر کرده و آن کس که کفران کند (زیانی به خدا نمی‌رساند) چرا که خداوند بی‌نیاز و ستوده است.

خداوند متعال در این آیه می‌فرماید: شکر نعمت حکمتی است که ما به لقمان آموزش دادیم.

و بنابر آیه‌ای دیگر حضرت سلیمان عليه السلام هنگامی که تخت بلقیس را نزد خود دید فرمود:

﴿هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي أَأَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ وَمَنْ شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ﴾^(۲).

۱- سوره لقمان، آیه ۱۲.

۲- سوره نمل، آیه ۴۰.

این از فضل پروردگار من است ، تا مرا آزمایش کند که آیا شکر او را به جامی آورم یا کفران می‌کنم؟! و هر کس شکر کند به نفع خود شکر می‌کند و هر کس کفران نماید (به زیان خویش نموده است که) پروردگار من غنی و کریم است .
حضرت سلیمان علیه السلام بر خلاف آنچه سعدی در شعرش می‌گوید از عهده شکر خداوند بر آمد :

از دست و زبان که برآید کز عهده شکرش بدر آید^(۱)
شکر مقامی عالی است و برای همگان قابل دسترسی نیست . ساحتی بالا و بلند می‌باشد که برخی از عباد الله به آن دست یافته‌اند . گام اول برای ما این است که نعمتهای الهی را بشناسیم و آنها را سپاس گوئیم . انسانهایی که در برابر نعمتهای الهی کفران می‌کنند ، جز پستی و دنائت چیز دیگری را نمی‌توان در مورد آنها تصوّر کرد . محبت را باید با محبت پاسخ گفت ، نه با آزار و اذیت یا نافرمانی ؛ حال هر کس که به ما نعمتی ارزانی داشته است فرق نمی‌کند ، انسان باشد یا ذات ذوالجلال ربوبی ، در برابر نعمات والطف الهی نباید نافرمانی کرد ؛ زیرا نافرمانی ما رابه ساحت شکر نمی‌رساند بلکه ما را از آن جایگاه دورتر می‌کند .

انشاءالله خداوند متعال ما را در زمره شاکرین نعمتهای خود قرار بدهد .

«والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته»

انسانهایی که در برابر نعمتهای الهی
کفران می‌کنند، جز پستی و دنائت چیز دیگری
را نمی‌توان در مورد آنها تصوّر کرد. محبت را
باید با محبت پاسخ گفت، نه با آزار و اذیت یا
نافرمانی ...

(صفحه ۱۵ از همین جزوه)

محل برگزاری جلسات :

چهارراه شهدا - خیابان معلم - کوچه معلم ۱۴ - پلاک ۸

تلفن ۷۷۳۲۳۶۷ و ۷۷۴۹۱۶۰ - نمایر ۷۷۴۳۹۱۹